

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۶۹-۹۱

مطالعه تطبیقی مدیریت روستایی ایران و چین با رویکرد حکمروایی

سیدعلی بدری، مجتبی قدیری معصوم، صامت فرهادی، و حافظ اسکندری*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۲۵

چکیده

مطالعه تطبیقی از روش‌هایی علمی است که از رهگذر آن، می‌توان به تجربه‌ها و موفقیت‌های سایر کشورها در زمینه‌های متفاوت پی برد و از آن برای رسیدن به نتایج مطلوب سود جست. هدف مقاله حاضر مطالعه تطبیقی مدیریت روستایی چین و ایران است که طی آن، وضعیت مدیریت روستایی دو کشور در دو مقطع زمانی و بر اساس رویدادهای مهم تاریخی-سیاسی تحول‌ساز بررسی می‌شود؛ و سرانجام، سنجش و مطالعه تطبیقی وضعیت دو کشور با شاخص‌های حکمروایی صورت می‌گیرد. روش پژوهش حاضر از نوع مطالعات اسنادی-تطبیقی با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتواست. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در مقطع زمانی اول، مدیریت روستایی در دو کشور یکسان و بر پایه اصول سنتی حاکم بر دو جامعه استوار است؛ اما پس از رویداد انقلاب دوم در چین (۱۹۷۸)، و تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، دستاوردهای این کشور در زمینه مدیریت روستایی و حکمروایی محلی چشمگیرتر است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت روستایی / حکمروایی محلی / ایران / چین.

* به ترتیب، نویسنده مسئول و عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیا و قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران (sabadri@ut.ac.ir)؛ عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران؛ و دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.

مقدمه

اندیشه اداری و دانش مدیریتی و به‌ویژه هدایت و رهبری موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی پیش از آن نیز مطرح بوده است (حقیقی، ۱۳۷۸: ۵). از این‌رو، همواره روستاها به‌مثابه نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها از سازمان اجتماعی و مدیریت بهره‌مند بوده‌اند، گرچه مفهوم «مدیریت» آنها از مفهوم «مدیریت» امروزی گسترده‌تر و با آن متفاوت است (طالب، ۱۳۷۶: ۵). در کشورهای در حال توسعه، شناسایی جامع ساختار حکومت محلی مسئله‌ای کلیدی به‌شمار می‌رود (Zhang et al., 2002: 3)؛ زیرا با توجه به وجود جمعیت‌های آسیب‌پذیر در نواحی روستایی - که اغلب به خدمات ارائه‌شده از سوی سطوح بالاتر دولت دسترسی ندارند - تکیه بر جوامع محلی برای تأمین نیازهای اساسی مقوله‌ای بنیادی است (World Bank, 2009). هر چند، این موضوع در کشورهای در حال توسعه درخور اهمیت است، اما بیشتر به‌دلیل نبود اطلاعات دقیق آماری، مطالعاتی اندک به بررسی حاکمیت محلی پرداخته است (Zhang et al., 2002: 5).

در دهه‌های اخیر، موضوع گذار از دولت به‌سوی فرایندهای نوین اداره نواحی روستایی یعنی، حکمروایی^(۱) در مناطق روستایی مطرح شده است، که مرز بین حکومت و جامعه مدنی محسوب می‌شود و به نحوی بر مشارکت حکومت‌ها، شرکت‌های خصوصی، شهروندان و اجتماعات محلی برای طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات اجتماعی و زیست‌محیطی دلالت دارد. تأکید حکمروایی بر افزایش مردم‌سالاری و مشارکت شهروندان در کلیه امور مربوط به خود اعم از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجراست، به‌گونه‌ای که شهروندان در تمامی امور مشارکت آگاهانه و فعال داشته باشند (Cheshire et al., 2007).

پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بررسی مدیریت‌های محلی در مناطق روستایی دو کشور چین و ایران، با رویکردی تطبیقی، تحلیلی از وضعیت کنونی مدیریت محلی در دو کشور ارائه دهد و به سنجش آن با معیارها و شاخص‌های حکمروایی روستایی

پردازد. تحولات گسترده اخیر در اداره امور روستا، با گذار از انتصاب رهبران جامعه روستایی به نظام انتخاباتی در مناطق روستایی چین و ایران، فرصتی مناسب برای آزمون تجربی اثر حکومت مردم‌سالار فراهم می‌آورد تا بر اساس آن، میزان و چگونگی دخالت جامعه روستایی در اداره امور مربوط به خود سنجیده شود (Gao, 2008: 1).

در این دو کشور، مدیریت روستایی بیانگر آن است که پیش از دهه ۱۹۸۰، رهبران جامعه روستایی چین از سوی دولت منصوب می‌شدند و در ادامه، با انقلاب دوم در این کشور، نظام انتخاب رهبران محلی متحول شده و بر اساس نیازهای کشاورزان محلی، به صورت نظام انتخاباتی درآمدی است (Zhang et al., 2002: 5). در ایران نیز مدیریت روستایی و چگونگی آن پیشنهادی دور و دراز دارد که بررسی آن، از یک سو، دارای نکات قابل توجه در روش‌های اداره روستاهاست و از سوی دیگر، متأثر از تجربیات گذشته است که به‌ویژه برای استفاده در آینده، چالش‌های گوناگون را روشن می‌سازد (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۳۶). با این همه، در ایران، مجلس اول در چهاردهم ذی‌عقده ۱۳۲۵ هجری قمری برابر با ۱۲۸۴ هجری شمسی قانون تشکیل ایالات و ولایات را به تصویب رساند، که نشان از دخالت قانونمند دولت در اداره روستاها دارد (طالب، ۱۳۷۶: ۷).

روش پژوهش

بررسی تجارب موفق سایر کشورها و بهره‌گیری از آن یکی از روش‌های علمی حل مسائل و مشکلات فرایند توسعه و مدیریت روستایی به‌شمار می‌رود. چین از کشورهایی است که طی دهه‌های اخیر، تجاربی موفق در زمینه توسعه و مدیریت روستایی داشته است. از این رو، بررسی حاضر نیز با هدف تبیین مدیریت روستایی و جایگاه آن در ساختار حکومت، با انجام مطالعه تطبیقی مدیریت روستایی در ایران و چین، می‌کوشد تا با ارائه نقاط قوت و برجسته مدیریت روستایی چین، در راستای دستیابی به مدیریت علمی، به زمینه‌های بهره‌گیری از آن در رفع برخی از مشکلات

مدیریت روستایی کشورمان پردازد. بر این اساس، با استفاده از رویکرد پژوهش اسنادی و مرور بسیاری از منابع در دسترس، ویژگی‌های مدیریت روستایی دو کشور در ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوا با یکدیگر مقایسه و آنگاه با در نظر گرفتن شاخص‌های حکمروایی و از آن جمله مشارکت و عدالت، سنجش شده است. در مقاله حاضر، نخست، سلسله‌مراتب اداری مدیریت روستایی دو کشور زیر عنوان «مدیریت روستایی در چین و ایران» مقایسه شده است. سپس، مدیریت روستایی بر اساس عواملی مانند تحصیلات مدیر روستا، مدیر اجرایی، سازمان اجرایی، و چگونگی انتخاب مدیر روستا در قالب جداول ۲ و ۳ با یکدیگر مقایسه شده است. سرانجام، در مرحله پایانی که اساس کار نیز بر آن استوار است، بر مبنای شاخص‌های حکمروایی پیش‌گفته، مطالعه تطبیقی مدیریت روستایی در دو کشور انجام گرفت تا بتوان بر پایه آن، به سنجش ملاک‌های نوین مدیریتی مطرح در دهه‌های اخیر در دو کشور پرداخت.

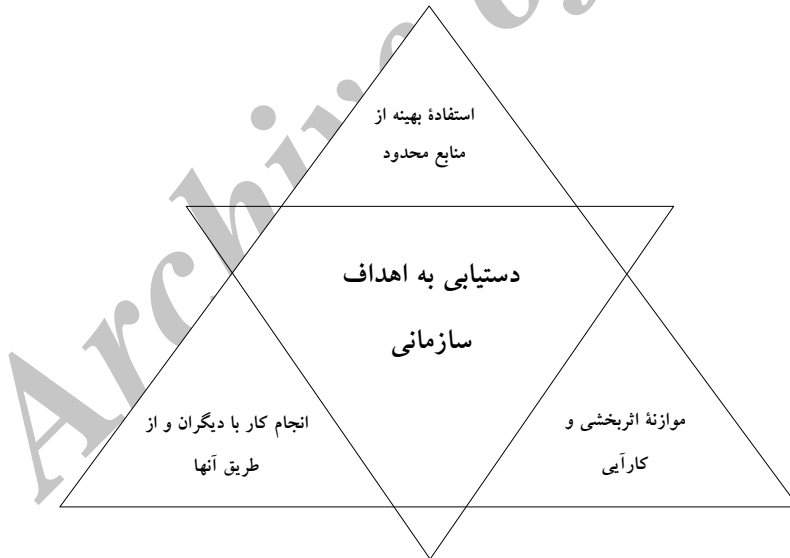
مبانی نظری

خانم مری پارکر فالت^(۲)، در ابتدای کتاب «مدیریت پروژه روستایی^(۳)» مدیریت را «هنر انجام کارها به وسیله و از طریق دیگران» تعریف می‌کند (Pandey, 2008: 1). در این تعریف، روی پنج موضوع کلیدی تأکید می‌شود، که عبارت‌اند از: انجام کار با دیگران و از طریق آنها؛ دستیابی به اهداف سازمانی؛ موازنه اثربخشی و کارایی؛ استفاده بهینه از منابع محدود (شکل ۱) که نهایتاً به سازگاری با محیط متغیر منجر می‌شود. بنابراین، می‌توان از این تعریف نتیجه گرفت که مدیریت روستایی عبارت است از فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق ایجاد سازمان‌ها و نهادها. این سازمان‌ها و نهادها ابزارهای تأمین اهداف جامعه روستایی به‌شمار می‌روند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). اهداف مدیریت روستایی شامل دستیابی به توسعه و به‌دنبال آن، توسعه

پایدار روستایی است؛ این اهداف مشترک عبارت‌اند از (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰):

- ۱- تأمین نیازهای اساسی؛
- ۲- افزایش تولید و امنیت غذایی؛
- ۳- کاهش فقر؛
- ۴- افزایش درآمد؛
- ۵- حفظ محیط زیست؛
- ۶- توسعه فرصت‌های شغلی؛ و
- ۷- افزایش مشارکت و اعتماد به نفس.

شکل ۱- جنبه‌های کلیدی مدیریت



منبع: کریتنر، ۱۳۸۷: ۲۲

از سوی دیگر، مفهوم «حکروایی» را نخست، پژوهشگران شهری در دهه ۱۹۸۰ مطرح کردند. آنان معتقد بودند که قدرت حکومت محلی منتخب از طریق مشارکت

روزافزون بخش خصوصی در سیاستگذاری شهری و ایجاد مؤسساتی که عهده‌دار مسئولیت حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی باشند، به مصلحت عموم مردم است (Stoker, 2000). بنابراین، تا مدت‌ها، نظام حکمروایی محلی جدید به‌طور تلویحی پدیده‌ای اساساً شهری قلمداد می‌شد. با این همه، فرایندهایی مشابه نیز تقریباً به‌طور غیررسمی در نواحی روستایی عمل می‌کردند.

برخی بر این باورند که حکمروایی واژه‌ای است که همراه با جهانی شدن مطرح شده است و ارتباط جهانی شدن با حکمروایی را بر دو گونه می‌دانند: یکی، حاکمیت فزاینده سازمان‌های غیردولتی (اعم از مؤسسات چندجانبه و یا غیردولتی و یا شرکت‌ها و سازمان‌ها) و دیگری، حکمروایی در قالب حسن‌تعبیری برای اعمال قدرت بخش خصوصی (اعمال قدرت از طریق بازار) (Peine and McMichael, 2005: 19). برخی نیز حکمروایی و توسعه پایدار را دو اصطلاح کلیدی در مباحث سیاسی می‌دانند، زیرا این اصطلاحات به‌مثابه تفکر نوین علمی پست‌مدرن در به چالش کشیدن فلسفه مدرنیته برتری خاصی دارند (Levidow, 2005: 98). از نظر گریگوری و همکاران (Gregory et al., 2009: 311-312)، حکمروایی عبارت است از گفتمان تغییر مکان از دولت (هماهنگی از طریق سلسله‌مراتب) به حکمروایی (هماهنگی از طریق شبکه).

در زمینه مراحل شکل‌گیری حکمروایی روستایی نیز باید بدین نکته توجه داشت که در دهه‌های اخیر، ساختار اداری حکومت محلی در بیشتر کشورها دستخوش تحول شده است. حکومت روستایی از دوره پدرسالاری^(۴) در اوایل قرن بیستم به دوره دولت‌گرا^(۵) در اواسط قرن بیستم و سپس، به دوره جدید حکمروایی در آستانه قرن بیست‌ویکم تغییر یافته است. این گذار، از سویی، بازتاب بخشی از بازساخت روستایی^(۶) و از سوی دیگر، الزامی مهم برای شکل‌گیری و اجرای سیاست روستایی، سامان‌دهی جوامع، اقتصاد، محیط‌های روستایی، و توزیع قدرت در نواحی روستایی بوده است (Woods, 2005: 160). دوره‌هایی از این گذار به‌شرح زیر شایان یادآوری است:

از پدرسالاری تا دولت‌گرایی: از دیدگاه تاریخی، همواره توزیع قدرت در جوامع روستایی با کنترل منابع و به‌ویژه کنترل زمین صورت می‌گرفت. ثروت به‌دست آمده از زمین این امکان را برای زمینداران فراهم می‌ساخت که به خرید دیگر منابع کمیاب تولید مانند وسایل حمل‌ونقل بپردازند و فرصت مشارکت در خدمات عمومی و حکومت را نیز بیابند. با برخورداری از منزلت اجتماعی، فرصت و ثروت دسترسی به باشگاه‌های انحصاری، احزاب خصوصی، و شبکه‌های اجتماعی فراهم می‌شد و از این‌رو، زدوبند سیاسی و پدرسالاری شکل گرفت. بدین ترتیب، نخبگان با تأییدپذیری از پدرسالاری، مسئولیت انجام بسیاری از نقش‌های معمول حکومت از طریق مجاری خصوصی خود را عهده‌دار شدند. بنابراین، نقش دولت و از آن جمله حکومت محلی محدود شد. تا اواسط قرن بیستم، دیگر حفظ دوره پدرسالاری دشوارتر شده بود (Woods, 1997).

از دولت‌گرایی تا حکمروایی: گسترش حکومت محلی منتخب، به‌صورت مردم‌سالار شدن جامعه روستایی پس از اشرافی‌گری دوره پدرسالاری، به ایجاد مبنایی کمک کرد که از طریق آن، نواحی روستایی کنترل می‌شد. با این همه، از سوی دیگر، این دوره ایستا تمرکزی بی‌سابقه را شامل شده، بازتابی از نیاز به مداخله دولت در نواحی روستایی برای حمایت از فعالیت اقتصادی سرمایه‌داری بود. برای دستیابی بدین اهداف، مراکزی دولتی ایجاد شدند که در فضای روستایی همراه با ساختار حکومت محلی منتخب و البته معمولاً بدون مشارکت دموکراتیک مردم محلی فعالیت می‌کردند (Woods and Goodwin, 2003). در مجموع، این تغییرات نشان‌دهنده گذار از نظام حکومت روستایی^(۷) به حکمروایی روستایی^(۸) است.

اغلب، حکمروایی شکلی خاص از هماهنگی درون‌سازمانی است، نه سلسله‌مراتبی و نه بازاری بلکه شبکه‌ای، که اصطلاحاً خودسازمان‌دهی^(۹) نامیده می‌شود. جوزف^(۱۰) حکمروایی را «خودسازمان‌دهی روابط درون‌سازمانی» می‌نامد، در حالی که رودز^(۱۱)

حکمروایی را «شبکه‌های درون‌سازمانی خودسازمان‌ده»^(۱۲) تعریف کرده، برخی از ویژگی‌های آن را در قالب نکات زیر یادآور می‌شود:

- وابستگی متقابل بین سازمان‌ها؛ حکمروایی گسترده‌تر از حکومت است و بازیگران غیردولتی را نیز پوشش می‌دهد، و تغییر مرزهای دولتی به مرزهای بین‌بخشی، خصوصی و داوطلبانه نیز با تضعیف مرزهای دولتی حاصل می‌شود؛
 - ادامه تعامل بین اعضای شبکه؛ به دلیل نیاز به مذاکره و تبادل منابع به منظور اشتراک مقاصد؛
 - تعاملات بازی‌مانند؛ برآمده از اعتماد و تنظیم مقررات و مذاکرات بازی از سوی شرکت‌کنندگان در شبکه؛ و
 - درجه قابل توجه خودمختاری از دولت؛ شبکه‌ها پاسخ‌گوی دولت نیستند بلکه خود سازمان‌ده‌اند (Gregory et al., 2009: 311-312).
- به‌طور کلی، مواردی همچون مشارکت، پاسخ‌گو بودن، عدالت، کارایی و اثربخشی^(۱۳)، و امنیت را می‌توان مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های حکمروایی برشمرد (UN-HABITAT, 2004).

یافته‌های تحقیق

مدیریت روستایی در چین

در ۲۰۰۴، کل جمعیت چین ۱،۲۹۹،۸۸۰،۰۰۰ نفر بود که ۵۴۲ میلیون نفر برابر با ۴۱/۷۶ درصد در نقاط شهری و ۷۵۷ میلیون نفر برابر با ۵۸/۲۴ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند؛ و نرخ رشد جمعیت در این کشور ۱۷/۷ در هر هزار نفر (رشد سالانه هفده میلیون نفر) است (National Bureau of Statistics of China, 2009). بنابراین، چین همچنان یک کشور عمدتاً روستایی است.

جدول ۱- جمعیت چین به تفکیک نقاط شهری و روستایی

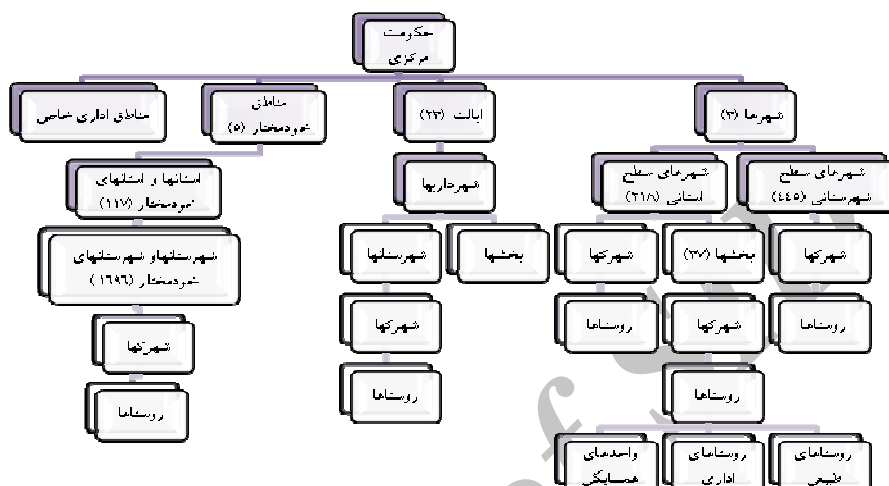
سال	جمعیت کل (ده هزار نفر)	جمعیت شهری (ده هزار نفر)	نسبت جمعیت شهری	جمعیت روستایی (ده هزار نفر)	نسبت جمعیت روستایی
۲۰۰۱	۱۲۷۶۲۷	۴۸۰۶۴	۳۷/۶۶	۷۹۵۶۳	۶۲/۳۴
۲۰۰۲	۱۲۸۴۵۳	۵۰۲۱۲	۳۹/۰۹	۷۸۲۴۱	۶۰/۹۱
۲۰۰۳	۱۲۹۲۲۷	۵۲۲۱۲	۴۰/۵۳	۷۶۸۵۱	۵۹/۴۷
۲۰۰۴	۱۲۹۹۸۸	۵۴۲۸۳۰۰۰	۴۱/۷۶	۷۵۷۰۵	۵۸/۲۴

منبع: National Bureau of Statistics of China, 2009

طبق قانون اساسی جمهوری خلق چین، تقسیمات اداری این کشور در سه سطح ایالت، شهرستان و شهرک است؛ اما در سطح اجرایی، به دو دسته تقسیم می‌شود، به گونه‌ای که استان زیرمجموعه ایالت و روستا زیرمجموعه شهرک است.

مدیریت محلی در چین دارای نظام سلسله‌مراتبی با مشخصه رهبری در سطوح مختلف است، که سطوح پایین‌تر زیرمجموعه سطح بالاتر به‌شمار می‌روند. مدیریت‌های شهری را مدیریت‌های استانی، مدیریت‌های بخش را مدیریت‌های شهری، و مدیریت‌های روستایی یا شهرک را نیز مدیریت‌های بخش هدایت می‌کنند، بدین معنی که باید مدیریت‌های سطوح پایین‌تر به رهبری، دستورها و سرپرستی مدیریت‌های سطوح بالا گردن نهاده، وظایف آنها را تکمیل کنند. همزمان نیز مدیریت‌های محلی در سطوح مختلف نقش مکمل نظام قدرت سیاسی را ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که وظایف و قدرت‌ها را به‌طور مستقل و زیر نظر مدیریت‌های سطح بالاتر انجام می‌دهند (قالیباف، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

شکل ۲- سلسله مراتب اداری چین



توضیح: شماره‌های داخل شکل بیانگر تعداد تقسیمات سیاسی است.

منبع: ESCAP, 2009

مدیریت روستایی در ایران

بررسی تحولات روستایی پیش از مشروطیت نشان می‌دهد که تا هنگام پیدایش نخستین نشانه‌های دولت نوین در ایران و نیز تأسیس نهاد قانونگذاری، تحولات روستاها متأثر از وضعیت اداره کشور و متکی بر قوانین عرفی ناشی از شرایط فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی بوده است. روابط و تحولات در محیط روستاها و روابط بین روستاها با یکدیگر و یا با نواحی شهری بر پایه خواست و نیاز مالک نظم می‌یافت و به‌جز موارد خاص، عملاً برنامه یا اراده‌ای خاص برای بهبود وضعیت روستاییان از طریق حکومت مرکزی وجود نداشت (عمادی و دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۴). در این دوران، مدیریت روستایی به شیوه‌ها و شکل‌های سنتی امور عمومی ده خود را اداره می‌کرد؛ و در این میان، نقش کدخدا تعیین‌کننده بود؛ زیرا وی فردی بود که از یک سو، به رعیت‌ها تعلق داشت و از سوی دیگر، انتصاب او بدین سمت را مالکان انجام می‌دادند. اما به تدریج، با

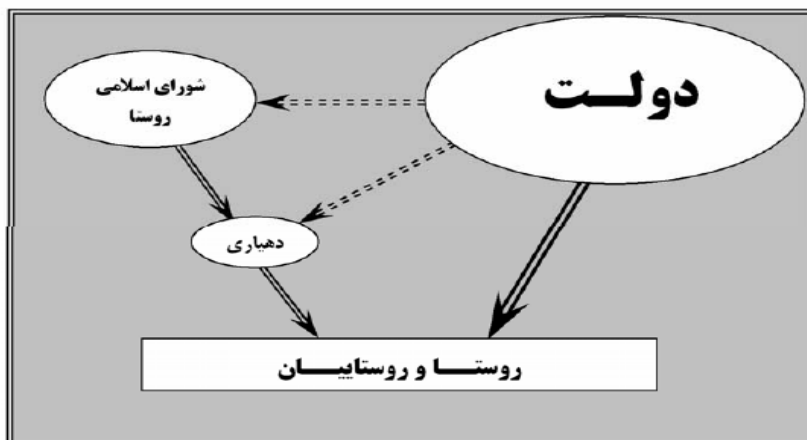
شکل‌گیری انجمن عمران ده در ۱۳۳۴ و انجمن ده در ۱۳۳۵، مدیریت روستایی وارد مرحله‌ای جدید شد که با استفاده از کدخدا در جایگاه بازوی اجرایی، به اعمال سیاست‌های توسعه روستایی می‌پرداختند (ودیعی، ۱۳۴۸: ۱۸۵).

پس از انقلاب اسلامی، وظیفه مدیریت روستایی بر عهده شورای اسلامی روستا قرار گرفت. گرچه این شورا جایگزین انجمن ده شده بود، اما به مدت بیست سال، بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه می‌داد. با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌ها در ۱۳۷۷، دهیاری به صورت بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا در نوک پیکان مدیریت روستایی قرار گرفت.

طی دهه‌های اخیر، مدیریت روستایی در ایران شاهد تغییرات و تحولات متعدد در عرصه نهاد تصمیم‌گیری و اجرایی بوده است. ساختار مدیریت روستایی کنونی حاصل تصویب قانون «تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور» و به تبع آن، قانون «تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور» است که بر اساس آن، وظیفه تصمیم‌گیری بر عهده شورای اسلامی روستا و وظیفه اجرای مصوبات بر عهده دهیاری است (بدری و نعمتی، ۱۳۸۶: ۱۵۹؛ بدری و موسوی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

دهیاری به عنوان نهاد عمومی و غیردولتی برای اداره و تولید امور مرتبط با مدیریت روستایی عملاً پس از تصویب قوانین «تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ (موسوم به قانون شوراها) و ماده واحده «قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور» متولد شد. در حال حاضر، دهیاری‌ها در بیش از بیست هزار روستای واجد شرایط راه‌اندازی شده و حدود هفده میلیون نفر از جمعیت روستایی یا ۷۶ درصد از کل جمعیت روستاهای واجد شرایط را زیر پوشش خدمات عمرانی و سایر خدمات خود قرار داده‌اند؛ و پیش‌بینی شده است که تا پایان برنامه چهارم توسعه، کلیه ۳۵،۶۷۲ روستای واجد شرایط مجوز تأسیس دهیاری را دریافت کنند (معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۷: ۵).

شکل ۳- ساختار چهارضلعی مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی در ایران



منبع: نگارندگان

مطالعه تطبیقی مدیریت روستایی در ایران و چین

برای بررسی مدیریت روستایی دو کشور، دو دوره زمانی متفاوت در نظر گرفته شده است. دوره اول، در ایران، از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی و دوره دوم پس از انقلاب اسلامی است. در مورد چین نیز دو دوره زمانی تقریباً یکسان با کشورمان یعنی، دوره اول از انقلاب چین در ۱۹۴۹ تا اصلاح انقلاب در ۱۹۷۸ و دوره دوم پس از اصلاح انقلاب در ۱۹۷۸ تاکنون مد نظر قرار گرفته است. برای تفهیم کامل مطالب و انجام مقایسه درست، شرح کامل ویژگی‌های مدیریت روستایی دو کشور در بازه‌های زمانی پیش گفته ارائه شده است (جداول ۲ و ۳).

جدول ۲- شرح ویژگی‌ها و مقایسه مدیریت روستایی در ایران و چین (دوره اول)

شرح	ایران (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹)	چین (۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸)
مدیر اجرایی؛ شرایط	کدخدا؛ سواد خواندن و نوشتن (دهبان، از ۱۳۵۴ به بعد)	کمون‌ها
سازمان اجرایی	دفتر انجمن ده	دفتر کمون
محدوده جغرافیایی فعالیت	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)
مقام عزل و نصب مدیر اجرایی	اعضای انجمن ده در مورد کدخدا، بخشداری و فرمانداری در مورد دهبان	کمون‌های سطح بخش
نهاد تصمیم‌گیرنده	اعضای انجمن ده و بخشداری و فرمانداری	دبیر حزب، کمون‌های بخش و کمون-های روستا
ترکیب اعضا	پنج کرسی اعضای انجمن ده، یک کرسی کدخدا و پس از ۱۳۵۴ دهبان	کمون‌های بخش و کمون‌های روستا
وظایف نهاد تصمیم‌گیرنده	همکاری با هیئت‌های مدیره شرکت‌های تعاونی، تهیه آب آشامیدنی، کمک به توسعه فرهنگ از طریق احداث مدارس و مانند آن، تأمین بهداشت عمومی ده، اصلاح و تأسیس راه‌های روستایی و احداث و نگهداری سیل‌بندها، احداث ساختمان حمام، غسالخانه، مستراح‌های عمومی، کمک به مأموران کشاورزی در توسعه کشاورزی و دفع آفات، احداث و نگهداری مساجد، کمک به صنایع دستی و روستایی، تأمین روشنایی ده	تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای اداره روستا و نظارت بر امور، شامل قوانین کشاورزی اشتراکی، نظارت بر اجرا و اعمال کمون‌های سطح روستا، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها، انتخاب، جمع‌آوری مالیات، حفظ نظم و امنیت، احداث راه‌ها، پل‌ها و شبکه آبیاری، تصمیم‌گیری در زمینه نحوه کشت و نوع کشت، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی
منابع مالی	دو درصد از کل عواید حاصل در ده	مالیات بر زمین
وظایف نهاد مدیریت روستایی	مراقبت در صحت راه‌ها و معابر و کوچه‌ها و پل‌های ده، نظارت بر مدارس و مریضخانه و دارالمساکین، نظارت بر اموال و وجوهی که متعلق به خود ده است و صرف آن به‌طور صحیح در ده، ایجاد نظم در ده و حفظ آن، همکاری با مأموران دولتی، داوری در بین مردم، ارسال گزارش به مراجع بالاتر	حل اختلافات، حفظ نظم و امنیت، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، دخالت در عمران روستایی با توجه به خواست مراجع بالاتر، تصمیم‌گیری در زمینه نحوه کشت و نوع کشت

شرح	ایران (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹)	چین (۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸)
مدت فعالیت مدیر اجرایی	موروثی با تأیید انجمن ده ولی در مورد دهبان دوره چهارساله با امکان انتخاب مجدد بدون محدودیت	بسته به نظرات حزب
نظارت حکومت مرکزی	دخالت شدید در تمامی زمینه‌ها در روستاها، شامل سپاهیان دانش، انجمن ده، خانه انصاف، شرکت‌های تعاونی و مانند آن	دخالت در کلیه زمینه‌ها به‌ویژه با گماشتن نخبگان شهری در روستا، تنظیم نظام سلسله‌مراتبی برای دخالت بیشتر در روستا، مالیات بر زمین، در دست گرفتن کلیه امور روستا با تصویب قانون روستاهای اداری در نواحی روستاهای طبیعی

منبع: طالب، ۱۳۷۶: ۲۴-۳۲؛ هوگلاند^(۱۴)، ۱۳۸۱: ۳۶؛ لمبتون^(۱۵)، ۱۳۶۲: ۳۵۰-۳۵۲؛ احتشامی، ۱۳۸۴: ۱۵۰؛ حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۵۶؛ مهدوی، ۱۳۷۸: ۲۲؛ Wang, 2006: 22؛ Kuhn, 2002: 137؛ O'Brein, 2000؛ و نگارندگان.

جدول ۳- شرح ویژگی‌ها و مقایسه مدیریت روستایی در ایران و چین (دوره دوم)

شرح	ایران (۱۹۷۹ تاکنون)	چین (۱۹۷۸ تاکنون)
مدیر اجرایی؛ شرایط تحصیلی	شوراهای اسلامی؛ سواد خواندن و نوشتن دهیار؛ دیپلم	شاتون لیندا ^(۱۶) ؛ دیپلم به علاوه پنج تا شش سال تجربه کاری تأییدشده از سوی رئیس شهرستان و شهرک
سازمان اجرایی	دهیاری	بنگون سز ^(۱۷)
محدوده جغرافیایی فعالیت	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)	روستا (محدوده قانونی و بافت کالبدی روستا)
مقام عزل و نصب مدیر اجرایی	شورای اسلامی روستا و بخشدار	رئیس شهرک‌ها و شهرستان‌ها
نهاد تصمیم‌گیرنده	شورای اسلامی روستایی	رئیس شهرک‌ها و شهرستان‌ها و اهالی روستا
ترکیب اعضا	سه کرسی برای روستاهای زیر ۱۵۰۰ نفر، پنج کرسی برای روستاهای بالای ۱۵۰۰ نفر، و یک کرسی متعلق به دهیار	هفت کرسی اعضای کمیته روستایی، یک کرسی رئیس حزب شهرک، و یک کرسی نماینده شهرستان

شرح	ایران (۱۹۷۹ تاکنون)	چین (۱۹۷۸ تاکنون)
وظایف نهاد تصمیم‌گیرنده	نظارت بر حسن اجرای تصمیم‌های شورا، بررسی و شناخت مسائل، همکاری برای احداث، اداره، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، کمک در مواقع بحرانی و وقوع حوادث غیرمترقبه، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها، ایجاد زمینه مناسب برای اجرای مقررات بهداشتی، انتخاب فرد ذی صلاح به سمت دهیار	تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی برای اداره روستا زیر عنوان قانون اساسی دهکده، نظارت بر اجرا و اعمال کمیته‌های روستایی، تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها، انتخاب، حفظ نظم و امنیت، احداث راه‌ها، پل‌ها و شبکه‌های آبیاری، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، نظارت بر احقاق حقوق مردم و تعهدات مردم در قبال کمیته‌های روستایی
منابع مالی	عوارض مقرر در آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک موضوع قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، عوارض صدور پروانه ساختمان، دریافت وام از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با تصویب شورا و تأیید شورای اسلامی بخش، درآمد حاصل از کمک‌های دولتی و خودیاری بخش خصوصی، اعانات و هدایا، وصول بهای خدماتی که دهیاری ارائه می‌کند	دولت (چون در نظام مالیاتی چین، از روستاییان و کشاورزان مالیاتی اخذ نمی‌شود)
وظایف نهاد مدیریت روستایی	برنامه‌ریزی و مدیریت عمران، خدمات عمومی و ایمنی (وظیفه اصلی) و همکاری در امور بهداشت، خدمات اجتماعی، آموزشی و امور فرهنگی روستایی	حل اختلافات، حفظ نظم و امنیت، نقش در تبادل روابط با حکومت مرکزی، تشویق مردم به مشارکت در امور روستایی، صرف دقیق هزینه‌های روستا و کمک‌های دولتی و نظارت بر آن
مدت فعالیت مدیر اجرایی	دوره چهارساله با امکان انتخاب مجدد بدون محدودیت	دوره سه‌ساله با امکان انتخاب مجدد بدون محدودیت
نظارت حکومت مرکزی	محسوس و تاحدودی مستقیم (بخشدار و مراجع بالاتر)	محسوس و تاحدودی مستقیم (شهرک‌ها و شهرستان‌ها)

منبع: معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۷: ۵؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶: ۴۲۳-۴۲۷؛ Xu, 2005؛ Choate, 2007؛ و نگارندگان.

تطبیق دوره‌های مدیریت روستایی ایران و چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی

با توجه به مطالب پیش‌گفته و اطلاعات تلخیص‌شده در جداول قبلی، مجموعه‌ای از شاخص‌های حکمروایی روستایی شامل مشارکت، پاسخ‌گویی، عدالت، کارآیی و اثربخشی، و امنیت به‌کار گرفته شد تا بتوان به تبیین نسبتاً دقیق و جامع مدیریت روستایی در دو کشور پرداخت (جداول ۴ و ۵). با استفاده از این شاخص‌ها، برای دستیابی به مدیریت روستایی کارآ و مطلوب، می‌توان پیشنهادهایی را نیز مطرح کرد.

جدول ۴- مقایسه مدیریت روستایی در ایران و چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی (دوره اول)

شاخص‌های حکمروایی	ایران (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹)	چین (۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸)
مشارکت	پس از انقلاب مشروطه تا اصلاحات ارضی نیز همچنان نظام زمین‌داری مانند گذشته ادامه داشت که با وجود مالک، سبب مشارکت در امور روستا می‌شد؛ اما با انجام اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی و برچیده شدن نظام ارباب-رعیتی، کار گروهی و مشارکت به-شدت در روستاها کاهش یافت و تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و مانند آن نیز در این زمینه چندان راه‌گشا نشد. بنابراین، در این دوره تاریخی از مدیریت روستایی، می‌توان کاهش و از بین رفتن مشارکت را به مرور دید.	با تسلط کمون‌ها بر تمامی ابعاد زندگی روستاییان، مشارکت آنها در امور کشاورزی اجباری بود. ولی به دلیل عدم رغبت کشاورزان به این کمون‌ها و تسلط دولت و نجبگان شهری بر مردم روستا در عمل مشارکت کاهش یافت. بنابراین، در این دوره زمانی، همچون ایران، مشارکت رو به کاهش نهاد و سبب بروز تغییرات و اصلاحاتی در زمینه مدیریت روستایی شد که بازتاب آن در دوره بعد بود.
پاسخ‌گو بودن	به دلیل ایجاد نهادهایی نظیر انجمن ده و در نهایت، دهبانان که بودجه‌های عمرانی خود را از طریق مردم روستا تأمین می‌کردند، این شاخص حکمروایی اندک تقویت شد.	در اصلاحات دولت نوین چین در ۱۹۴۹ نهاد پاسخ‌گو به جامعه روستایی کمون‌ها بودند که کلیه منابع را در دست داشتند و کلیه تصمیمات را در اداره امور روستایی خود می‌گرفتند و بر کلیه امور زندگی روستاییان تسلط داشتند.

شاخص‌های حکمروایی	ایران (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹)	چین (۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸)
عدالت	شاخص عدالت با تشکیل نهادهای روستایی نظیر خانه انصاف و بازتوزیع منابع تولید بیشتر رشد کرد و رشد آن به سطحی قابل توجه رسید.	در نظام نوین، با نظارت کمون‌ها، ساکنان روستایی به شکل برابر از منابع سود می‌بردند و حاکمیت بر مبنای عقاید کمونیستی بود. بنابراین، عدالت بر مبنای این نظام عقیدتی رعایت می‌شد.
کارآیی و اثربخشی	در این زمینه نیز به دلیل توزیع منابع و رشد فرهنگی روستاییان، نظام روستایی دچار تحول شد و این شاخص نیز دارای رشد مناسب بود.	با توجه به ساختار نوین حکومتی و عدم رضایت جامعه روستایی از این ساختار، کارآیی و اثربخشی با کاهش مواجه شد.
امنیت	به دلیل تغییر ساخت اجتماعی روستاها و دخالت دولت، شاخص امنیت دچار تغییر شد و با بهره‌گیری از سپاهیان بهداشت، امنیت بهداشتی و محیطی نیز رشد داشت.	امنیت جامعه روستایی به عهده کمون‌ها بود که به دلیل توجه به کشاورزی، نظارت امنیتی شدید بر روستاها داشتند.

منبع: نگارندگان

جدول ۵- مقایسه مدیریت روستایی در ایران و چین بر اساس شاخص‌های حکمروایی (دوره دوم)

شاخص‌های حکمروایی	ایران (۱۹۷۹ تاکنون)	چین (۱۹۷۸ تاکنون)
مشارکت	همانند دوره پیش، تحول در روستاها سبب از هم گسیختگی بافت روستاها شد که تا مدتی ساختارهای موجود در نواحی روستایی را دستخوش تغییر کرد؛ و از این-رو، شاخص مشارکت با تحولات زیادی همراه بود و دخالت شدید دولت با عنوان جهاد سازندگی در روستاها سبب برچیده شدن اندک مشارکت باقی‌مانده قبلی شد که نهاد شوراهای اسلامی روستایی نیز نتوانست این خلأ را پر کند؛ البته تلاش دهیاری‌ها نیز در همین راستاست، اما این نهاد نیز نتوانسته است جای خالی مشارکت را در نواحی روستایی پر کند.	با تغییر در اندازه و مدیریت کمون‌ها، ساختار اداری نواحی بر اساس مردم‌سالاری شکل گرفت و مردم در تمامی زمینه‌ها دخالت و با یکدیگر همکاری دارند. به-دلیل بی‌شمار مانند شرکت در فرایند تصمیم‌سازی تا ارزیابی، شاخص مشارکت روستاییان در اداره امور روستا افزایش یافته و در این سال‌ها، سطح مردم‌سالاری به حدی بالا رفته که با کشورهای غربی قابل مقایسه است؛ و سرانجام، مردم‌سالاری ایجاد مشارکت و روحیه همکاری را تقویت کرده است.
پاسخ‌گو بودن	در نظام نوین اداری، دهیار در قبال کارهای انجام‌شده توسط دهیاری وظیفه دارد به شورا گزارش دهد و در برابر شورا پاسخ‌گوست و شورا نیز در برابر اعمال نهاد رهبری روستا به مردم پاسخ می‌دهد، اما سطح پاسخ‌گویی بسیار محدود است	کلیه مسئولان مرتبط با اداره نواحی در قبال امور انجام‌شده به روستاییان پاسخ‌گو می-باشند و در این شاخص، خود روستاییان نیز با مسئولان همکاری دارند تا کمبودها رفع شود.
عدالت	به دلیل رخداد انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، در توزیع عدالت در میان جامعه روستایی تلاش فراوان صورت گرفت و در همین راستا، تشکیل هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین، شرکت‌های تعاونی و مواردی از این دست نمودهایی بارز از گسترش عدالت بوده است.	در روستاهای کنونی کشور چین، عدالت در سطحی بالا اجرا می‌شود و به دلیل نظام نوین مالیاتی- که کشاورزان را از پرداخت مالیات معاف می‌کند- و نیز با توجه به بازتوزیع خدمات و صنایع در نواحی روستایی، عدالت در تمامی سطوح بالا رفته و فاصله درآمدی بین شهر و روستا نیز به شدت کاهش یافته است
کارایی و اثربخشی	نظام رهبری دارای کارایی مناسب و پیشرفت آن در توزیع خدمات عمومی و حل مسائل روستاها قابل قبول بوده است.	در انقلاب دوم چین، کارایی و اثربخشی بسیار مناسب بوده و خدمات به صورت عادلانه در میان روستاییان توزیع شده است، که رشد سلامت، بهداشت و سایر امور رفاهی مردم نیز مؤید آن است.
امنیت	به دلیل افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی در نواحی روستایی، از میزان امنیت روستایی کاسته شده و دولت، با در دست داشتن مسئولیت امنیت و کمبود امکانات امنیتی در نواحی روستایی، در اداره امنیتی این نواحی چندان توانمند نبوده است. محیط زیست روستا نیز در سال‌های اخیر، به دلیل فشار بیش از حد بر طبیعت، دچار فرسایش شده است.	امنیت جامعه روستایی با دولت است؛ البته خود روستاییان نیز در تأمین امنیت نقش دارند. همچنین، دولت در حفظ منابع آب و خاک دخالت دارد تا منابع دچار مشکل فراوان و فرسایش نشود.

منبع: نگارندگان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نظام مدیریت روستایی چین و ایران مشخص می‌سازد که با توجه به بخشی بودن سازمان و چارچوب حکمروایی دو کشور، انسجام و اثربخشی سیاست‌های روستایی آنها چالش‌برانگیز است. این مشکلات در سطوح پایین‌تر حکومت گسترده می‌شوند. ظهور تضاد منافع در میان سطوح مختلف سازمان‌های بین‌بخشی و درون ساختار دولت سبب افزایش این مشکلات می‌شود (OECD, 2009).

با بررسی سیر تاریخی مدیریت روستایی در کشورهای چین و ایران و تطبیق آن با شاخص‌های حکمروایی، می‌توان گفت که به دلیل نزدیکی ساختارهای سیاسی دو دولت در مقطع زمانی اول، ساختارهای مدیریت بسیار شبیه به هم و بر اساس نظام سنتی گذشته و ساختارهای تازه‌نظم‌یافته حاصل از تغییرات سیاسی حاکم بر جامعه بوده و ساختارهای مدیریتی بیشتر به عرف محلی وابسته بوده است؛ اما در دوره دوم (انقلاب دوم چین و انقلاب اسلامی ایران) تفاوت‌ها آغاز شده است. در سال‌های اخیر و با توجه به شاخص‌های حکمروایی، می‌توان این گونه استنباط کرد که کشور چین در مدیریت روستایی، افزایش مشارکت و کاهش فقر روستایی موفق‌تر بوده و سیاست‌های اعمال‌شده از سوی این کشور مؤثرتر بوده است، که مهم‌ترین دلایل آن عبارت‌اند از: درصد بالای جمعیت روستایی چین، وجود ساختارهای منظم سلسه‌مراتبی اداری-سیاسی، آموزش رهبران جامعه محلی پیش از تنفیذ حکم، نظارت‌ها و ارزیابی‌های مستمر اداری-سازمانی، و کاهش اثرات بخشی نظام برنامه‌ریزی با تأکید بر نظام برنامه‌ریزی یکپارچه شهری-روستایی. بنابراین، برای بهبود مدیریت روستایی کنونی کشورمان، می‌توان از رویکردهای حکمروایی و سیاست‌ها و برنامه‌های چین سود جست و در راستای کاهش مشکلات، از تجربه‌های موفق این کشور بهره برد تا از رهگذر به کارگیری و کاربرد این تجربه‌ها و رویکردهای نوین اداره روستایی، مشکلات مدیریت روستایی کشور مرتفع شود و مهم‌ترین عامل توسعه روستایی یعنی مدیریت

نسبت به گذشته استوارتر شده، در شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی مثمر ثمر واقع شود.

از مهم‌ترین تجربه‌های آموزنده کشور چین در زمینه مدیریت روستایی، می‌توان آموزش مدیران محلی پیش از تنفیذ حکم، توجه به نظام برنامه‌ریزی و اصلاح آن و نیز برنامه‌های جدید نظیر برنامه‌ریزی یکپارچه شهری- روستایی و ناحیه‌ای، آمایش سرزمین، و شناخت کامل توان‌های نواحی روستایی را برشمرد.

یادداشت‌ها

1. governance
2. Mary Parker Follet
3. Rural Project Management
4. paternalist
5. statist
6. rural restructuring
7. rural government
8. rural governance
9. self-organization
10. Jossef
11. Rhodes
12. self-organizing
13. efficiency and effectiveness
14. Eric Hogeland
15. Ann Katharine Swynford Lambton
16. Shaxnton Linda
17. Benxonsez

منابع

احتشامی، لطف‌الله (۱۳۸۴)، نقش کلاتران و کدخدایان در مدیریت شهر و روستا از دوره صفویه تا انقلاب اسلامی. تهران: مهر قائم (عج).

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار». فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱-۳۱.

بدری، سیدعلی و نعمتی، مرتضی (۱۳۸۶)، «ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ: مطالعه

- موردی استان گلستان». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*. سال ۳۹، شماره ۵۹، صص ۱۶۱-۱۷۶.
- بدری، سیدعلی و موسوی، سیدعارف (۱۳۸۸)، *مدیریت نوین روستایی: در جستجوی راهکاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها*. تهران: قلمستان هنر.
- حسینی ابری، سیدحسین (۱۳۸۰)، «کدخدا». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. سال ۶۱، شماره ۱، صص ۵۶-۶۹.
- حقیقی، محمدعلی (۱۳۷۸)، *تئوری‌های مدیریت*. تهران: نقش مهر.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: قومس
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- عمادی، محمدحسین و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۳)، *ترسیم خطوط کلی و تعیین شاخص‌های توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی و عشایری کشور*. تهران: شورای پژوهش‌های علمی کشور.
- قالیباغ، محمدباقر (۱۳۸۷)، *حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید (۱۳۸۳)، «بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*. سال ۳۶، شماره ۵۰، صص ۱۷۷-۱۹۸.
- کریتنر، رابرت (۱۳۸۷)، *اصول مدیریت: عملیات برتر*. ترجمه داور ونوس و همکاران. تهران: مهربان نشر.
- لمبتون، آن کاترین سوینفورد (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶)، *مجموعه قوانین و مقررات کشور*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- معاونت امور دهیاری‌ها (۱۳۸۷)، *عملکرد معاونت امور دهیاری‌های کشور*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۸)، *جغرافیای روستایی ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- ودیدی، کاظم (۱۳۴۸)، *مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران*. تهران: دهخدا.
- هوگلاند، اریک جیمز (۱۳۸۱)، *زمین و انقلاب در ایران*. تهران: شیرازه.

- ESCAP (2009), "Brief description of the country and its national/state government structure in China". Available on:
<http://www.unescap.org/huset/lgstudy/country/china/china.html>.
- Cheshire, Lynda, Higgins, Vaughan and Lawrence, Geoffrey (2007), "Introduction: governing the rural". In: Cheshire, Lynda, Higgins, Vaughan and Lawrence, Geoffrey (eds), *Rural Governance: International Perspectives*. New York: Routledge.
- Choate, Allen C. (2007), *Local Governance in China, an Assessment of Villagers Committees*. Sydney: University of Sydney.
- Gao, Mobo (2008), *Local Governance, Community, and Civil Society in Contemporary China*. Sydney: University of Sydney.
- Gregory, Derek, Johnston, Ron, Pratt, Geraldine, Watts, Michael J., and Whatmore, Sarah (2009), *The Dictionary of Human Geography 5th Edition*. London: John Wiley and Sons.
- Kuhn, Philip (2002), *Origins of the Modern Chinese State*. Stanford: Stanford University.
- Levidow, Les (2005), "Governing conflicts over sustainability: agricultural biotechnology in Europe". In: Higgins, Vaughan and Lawrence, Geoffrey (eds.), *Agricultural Governance*. New York: Routledge.
- National Bureau of Statistics of China (2009), *China Statistical Year book*, Beijing: China Statistics Press.
- O'Brien, Kevin J. (2000), *Villagers, Elections and Citizenship in Contemporary China*. Sydney: University of Sydney.
- OECD (2009), "OECD rural policy reviews: China". Available on:
<http://www.oecd.org/dataoecd/7/9/42376151.pdf>.
- Pandey, Devendra Prasad (2008), *Rural Project Management*. New Delhi: New Age International Publishers.
- Peine, Emelie and McMichael Philip (2005), "Globalization and global governance". In: Higgins, Vaughan and Lawrence, Geoffrey (eds), *Agricultural Governance*. New York: Routledge.

- Stoker, G. (2000), *The New Politics of British Local Governance*. London: Macmillan.
- UN-HABITAT (2004), "The urban governance index". In: *Guidelines for Second Field Testing, Nairobi, Kenya*. Also, available on: <http://www.unhabitat.org/governance>.
- Wang, Jianxun (2006), *Village Governance in Chinese History*. New York: Viking.
- World Bank (2009), *World Development Report 2009: Attacking Poverty*. Washington, D.C.: World Bank.
- Woods, Michael (1997), "Discourses of power and rurality: local politics in Somerset in the 20th century". *Political Geography*. Vol. 16, No. 6, pp. 435-478.
- Woods, Michael (2005), *Rural Geography*. London: SAGE.
- Woods, M. and Goodwin, M. (2003), "Applying the rural: governance and policy in rural areas". In: Cloke, P. (ed.), *Country Vision*. London: Pearson, pp. 245-262.
- Xu, Haiqing (2005), *Environmental Policy and Rural Industrial Development in China*. Chicago: Concordia University, Department of Geography.
- Zhang, Xiaobo, Fan, Shenggen, Zhang, Linxiu, and Huang, Jikun (2002), *Local Governance and Public Goods Provision in Rural China*. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute.